

مشروعیت الزام حکومتی به حجاب

نقدی بر کتاب قلمرو اجرای شریعت در حکومت دینی

محمد علی ایازی، در کتاب قلمرو اجرای شریعت در حکومت دینی، در فصلی که به نقد ادله فقهی «الزام حکومتی حجاب» پرداخته است، یکی از ادله که «نهی از منکر» باشد را مورد نقد قرار می‌دهد. او در این نقد مطالب مختلفی را طرح کرده که همه آن‌ها نیاز به پاسخ ندارد و در این یادداشت تنها دو نکته مهم از نکات مطرح شده مورد نقد قرار خواهد گرفت: ۱. معنای معروف و منکر ۲. معنای امر و نهی



محمد متقیان تبریزی

مدرس حوزه علمیه قم

عبارت‌اند از: شریعت، جامعه، عقل. این سه منبع ظرفیت آن را دارند که موضوعات را به دو دسته معروف و منکر تقسیم نمایند. معروف و منکر نزد شریعت، جامعه و عقل یعنی آن چیزهایی که نزد شریعت، جامعه و عقل پذیرفته شده یا مورد انکار قرار گرفته‌اند. اما آیات امر به معروف و نهی از منکر کدام یک از این منابع را پایگاه اعتباربخشی به معروف و منکر می‌داند؟

سوم: با نظر به اینکه همه آیات امر به معروف و نهی از منکر این فعل را به عنوان وصف مؤمنین معنا می‌کنند، و در یک آیه هم نبی مکرم اسلام (ص) را با این فعل توصیف کرده است، به نظر می‌رسد وصف ایمانی مؤمنین و شأن نبوی حضرت رسول، در این خطاب، موضوعیت دارد، یعنی مقصود این است که مؤمنین به وصف ایمانی خود و حضرت رسول به عنوان نبی امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. در این صورت، آنچه که مؤمنین به آن امر و نهی می‌کنند و بالاتر آنچه که حضرت رسول به آن امر و نهی می‌کند اموری هستند که مرتبط با شأن ایمانی مؤمنین و شأن نبوی رسول الله (ص) است. و یا به عبارت دیگر، وقتی گفته می‌شود: شما مؤمنین امر به معروف و نهی از منکر کنید، مقصود این است که امر کنید به آن چیزی که نزد شما معروف است، و روشن است که قدر متیقن از مصادیق معروف و منکر حتماً واجبات، محرّمات، مستحبات و مکروهات است، زیرا دامنه امر و نهی مؤمنین و نبی مکرم در همان دامنه شرع انوری می‌باشد. و البته امکان دارد که اموری دیگر نیز به عنوان مستحسّنات عقلی و اجتماعی داخل در این محدوده باشند، اما قطعاً چنین اموری نه به وصف عقل یا عقلایی بودن، بلکه به وصف ایمانی داخل در حوزه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. این استظهار با استفاده از مناسبات و قراین موجود در آیات شریفه با دیدگاه آقای ایازی که معتقد است رکن مَقُوم معروف و منکر شناخته‌شدگی یا استنکار اجتماعی است سازگاری ندارد.

چهارم: آقای ایازی در برابر نتیجه پیشین موضع گرفته و می‌گوید پس چرا به جای معروف و منکر از دو واژه «واجب» و «حرام» استفاده نکرده است؟ پاسخ روشن است؛ اولاً: نه معروف منحصر در واجب است و نه منکر منحصر در حرام، بلکه معروف و منکر دربرگیرنده مستحبات و مکروهات الهی نیز می‌تواند باشد و عنوان عامی است که شامل همه احکام الهی می‌شود. ثانیاً: باید به نکته نزول تدریجی آیات و ابلاغ احکام توجه نمود، چراکه، از همان ابتدای رسالت، مصادیق معروف و

+

الف. معنای معروف و منکر

نویسنده در کتاب خود به «دلیل نهی از منکر» در بخشی از نقد به معنای معروف و منکر پرداخته و دیدگاه رایج را نقد نموده است. او چنین نتیجه گرفته است که هر واجب و حرامی متعلق امر و نهی نیست، بلکه آن واجب و حرامی متعلق امر و نهی قرار می‌گیرد که مورد پذیرش اجتماعی هم قرار گرفته باشد، یعنی موضوع حکم شارع معروفیت و منکریت شرعی نیست، بلکه معروفیت و منکریتی اجتماعی است که البته ممکن است برخی واجب‌ها و حرام‌ها را هم در بر بگیرد.

+

نقد دیدگاه ایازی

در قرآن کریم، در ۸ آیه، به (امر به معروف و نهی از منکر) پرداخته شده است. با مراجعه به این آیات و تأمل در آن‌ها نکاتی برای انسان روشن می‌شود که در دستیابی به معنای مقصود از دو واژه «معروف» و «منکر» مفید می‌باشد:

اول: این نکته روشن است که واژه «معروف» و «منکر» در این آیات، و همچنین در موارد دیگری که به صورت جداگانه استفاده شده، در معنای عرفی آن استعمال گردیده و شارع مقدس معنای دیگری در آن‌ها لحاظ نکرده است. در معجم مقاییس اللغة از معروف به «مایه سکون و اطمینان نفس»، تعبیر نموده که در مقابل منکر به معنای «مایه استیحاş و وحشت» قرار می‌گیرد. او در مفردات راغب معروف و منکر را هم این گونه معنا می‌کند: «اسمٌ لِكُلِّ فِعْلٍ يُعْرَفُ بِالْعَقْلِ أَوِ الشَّرْعِ حَسَنَةً، وَ الْمُنْكَرُ: مَا يَنْكَرُ بِهِمَا»^۲. این دو معنا شاید بتوانند این گونه با همدیگر قرابت پیدا کنند که هر آنچه که حسنش نزد عقل و شرع شناخته شده است سکون و اطمینان نفس به آن وجود دارد، اما آنچه مستنکر بوده و ناشناخته مایه وحشت و استیحاş نفوس می‌گردد. در این بررسی لغوی، باید به این نکته توجه داشت که، با توجه به تضاد معروف و منکر، مقصود شناخته‌شدگی در معنای معروف حیثیت معلوم بودن یا مجهول نبودن مد نظر نیست، بلکه نوعی از معرفت است که در مقابل انکار قرار می‌گیرد، شناختنی است که با باور و اذعان همراه است و، در مقابل آن، مُنْكَر یعنی چیزی که مورد استنکار و عدم پذیرش قرار می‌گیرد.

دوم: منابھی که می‌توانند معروف ساز و منکر ساز باشند و، به عبارتی، اموری را به عنوان پذیرفته شده و پذیرفته نشده طبقه بندی نمایند